

ساخت اسامی مشتق از پسوند «-گر» از منظر صرف ساختی

عادل رفیعی^{۱*}، حدائق رضایی^۲

۱. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. استادیار گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

چکیده

چندمعنایی موجود در پسوند «-گر»، چگونگی شکل‌گیری آن و نیز توجیه برخی جنبه‌های معنایی در اسامی مشتق از این وند که نمی‌توان آنها را حاصل تجمیع معانی اجزا دانست، مسائلی هستند که در مقاله حاضر بدانها پرداخته می‌شود. پژوهش حاضر در چارچوب صرف ساختی و بر اساس بررسی ۱۲۴ واژه مشتق از پسوند «-گر» صورت گرفته است. ابتدا واژه‌های جمع‌آوری شده در مقوله‌های معنایی مختلف قرار گرفتند. سپس با بررسی واژه‌های مستخرج مفهوم «عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با مفهوم پایه» به عنوان مفهوم آغازین ساخت [X-گر] تشخیص داده شد. سپس نحوه شکل‌گیری مفاهیم «عامل غیرانسانی (ابزار) انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با مفهوم پایه» و «عامل انسانی انجام شغل مرتبط با معنی پایه» از طریق به کارگیری ساز و کارهای مفهومی به دست داده شدند. داده‌های در زمانی پژوهش حاضر نشان می‌دهد که شکل‌گیری زیرطرح‌واره اسم ابزار تحت‌تاثیر وام‌واژه‌های انگلیسی مشتق از پسوند «-er» و از رهگذر عملکرد فرایند تقریب شکل گرفته است. از سوی دیگر بررسی داده‌های استخراج شده مشخص می‌سازد که واژه‌های دارای مفاهیم اسم عامل (غیرشغل) و اسم شغل از دو زیرطرح‌واره مستقل حاصل می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: صرف ساختی، چندمعنایی، اشتقاق، پسوند «-گر»، تقریب

۱. مقدمه

اسامی مشتق از پسوند «-گر» در مقوله‌های معنایی اسم شخص عامل (شغل)، اسم شخص عامل (غیرشغل)، و اسم ابزار قابل دسته‌بندی هستند (رفیعی ۱۳۸۶). این تنوعات معنایی ماهیتی نظام‌مند دارند بدین معنی که صرفاً متعلق به یک یا چند واژه نمی‌باشند بلکه تمامی اسامی مشتق از این پسوند به صورتی بالقوه یا بالفعل در این مقوله‌ها جای می‌گیرند.

توجیه فرایندهای ناظر بر شکل‌گیری تنوعات معنایی نظام‌مند در واژه‌های مشتق از این واژه‌ها و سازوکارهای دخیل در آن مسائلی است که پژوهش حاضر در چارچوب صرف ساختی (construction morphology) بدان می‌پردازد. سؤال این است که ساخت واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» چگونه با استفاده از مفهوم طرحواره‌های ساختی مطرح در صرف ساختی توصیف می‌شود و نیز شکل‌گیری نظام طرحواره‌ای تحت تاثیر چه سازوکارهای شناختی و عوامل در زمانی احتمالی صورت گرفته است.

در این نوشته پس از بخش مقدمه، به پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته بر روی پسوندهای اسم عامل‌ساز «-گر» اشاره می‌شود. آنگاه در بخش سوم توصیفی مختصر از صرف ساختی (construction morphology) ارائه خواهد شد. در بخش چهارم به تنوعات معنایی واژه‌های مشتق از «-گر» می‌پردازیم و نیز معنای بنیادین ساخت مورد بررسی را به دست می‌دهیم. سپس در بخش پنجم نظام طرحواره‌ای ناظر بر عملکرد پسوند «-گر» بر اساس تجزیه و تحلیل داده‌های استخراج شده- به صورت مرحله به مرحله به دست داده خواهد شد. بخش ششم نیز به جمع‌بندی مطالب اختصاص دارد.

۲. پیشینه پژوهش

مطالعات صورت گرفته بر روی وندهای ملقب به اسم عامل‌ساز (agentive suffixes) را به طور کلی می‌توان به سه دسته تقسیم کرد^۱: دسته‌ای از پژوهش‌ها بدون قائل شدن به وجود معنی برای وند سعی کرده‌اند تنوعات معنایی موجود در واژه‌های مشتق از این وندها- بخصوص معنی عاملی- را با اتکا به ساخت موضوعی پایه‌ای که وند بدان افزوده می‌شود توجیه نمایند. در این آثار معنای عامل واژه‌های مشتق را برگرفته از نقش تئای موضوع بیرونی

پایه‌ای که وند بدان افزوده شده است می‌دانند. مهم‌ترین مسئله این رویکرد زمانی پیش می‌آید که پایه واژه مشتق از نوع غیرفعلی بوده و فاقد موضوع بیرونی با نقش تئای عامل باشد. از جمله مهم‌ترین آثار انجام شده در این رویکرد می‌توان به فب (۱۹۸۴)، کیسر و روپر (۱۹۸۴)، و بوی (۱۹۸۶) اشاره کرد. در زبان فارسی نیز واحدی لنگرودی و قادری (۱۳۸۹) چنین رویکردی را اتخاذ کرده‌اند.

در دسته دیگری از مطالعات قائل به وجود نوع خاصی از معنی برای وند شده‌اند که اسکلت معنایی (semantic skeleton) نامیده می‌شود. آنگاه سعی کرده‌اند با قائل شدن به ساخت موضوعی برای وند و اصلی به نام اصل هم‌نمایی (co-indexation principle) بین مفهوم وند و موضوع بیرونی پایه ایجاد ارتباط کنند و متعاقباً تنوعات معنایی موجود در واژه‌های مشتق از آن وند را حاصل تعامل بین اسکلت معنایی وند، و اسکلت و بدنه معنایی (semantic body) پایه دانسته‌اند. علیرغم اینکه در رویکرد دوم با قائل شدن به معنی برای وند تنوعات معنایی نظام‌مند تا حدی امکان توجیه می‌یابد اما کماکان مسائل اصلی پا بر جاست: اول اینکه هنوز هم در مواردی که پایه از نوع غیرفعلی و به طور مشخص غیرفرایندی (non-processual) باشد امکان توجیه مفهوم عامل وجود ندارد. دوم این که معنای منسوب به وند تا حد زیادی ماهیت قراردادی دارد و نمی‌توان شاهدهی مبنی بر وجود آن در دانش زبانی گویشوران به دست داد. سوم این که آنچه اصل هم‌نمایی نامیده می‌شود نیز ماهیتی قراردادی دارد و از کفایت توصیفی لازم برخوردار نیست. دو اثر بوی و لیبر (۲۰۰۴) و لیبر (۲۰۰۴) را می‌توان مهم‌ترین آثار انجام شده با این رویکرد دانست. در فارسی نیز رفیعی (۱۳۸۶) در این چهارچوب انجام شده است.

دو رویکرد ذکر شده در بالا از ماهیتی تکواژ-بنیاد (morpheme-bases) برخوردارند. رویکرد سوم به بررسی عملکرد وندهای مشهور به اسم عامل‌ساز- و البته کل فرایندهای صرفی- رویکردی واژه‌بنیاد (lexeme-based) به نام صرف ساختی است. این رویکرد با قائل شدن به معنی برای ساخت (construction) - با این توضیح که وند نیز جزئی از ساخت در نظر گرفته می‌شود و نقش معنایی‌اش صرفاً درون ساخت قابل توصیف است- می‌تواند مفاهیمی که نمی‌توان آنها را حاصل تجمیع معانی اجزا دانست توجیه کند.

صرف ساختی برای اولین بار توسط بوی (۲۰۱۰) معرفی شده است. در بخشی از این اثر وی به توصیف عملکرد وند «er» هلندی - که یک وند اسم عامل ساز است - می‌پردازد. بوی (۲۰۱۰: ۷۶-۸۱) پس از برشمردن تنوعات معنایی در واژه‌های مشتق از این وند، مفهوم عامل انسانی را مفهوم آغازین در نظر می‌گیرد و آنگاه با اتکا به برخی ساز و کارهای مفهومی به توجیه چندمعنایی موجود در واژه‌های مشتق از این وند می‌پردازد. در انجام این کار وی از رویکرد چند معنایی منطقی (logical polysemy) بهره می‌برد.

از جمله مهم‌ترین آثار انجام شده دیگر بر روی چندمعنایی وندهای اسم عامل ساز می‌توان به رینر (۲۰۰۵، ۲۰۱۱، ۲۰۱۴)، لوشوتسکی (۲۰۱۱)، و لوشوتسکی و رینر (۲۰۱۱) اشاره کرد. از این میان رینر (۲۰۱۱) به بررسی وندهای اسم عامل ساز از منظری بین‌زبانی - شامل ۸۲ زبان از جمله فارسی - پرداخته است.

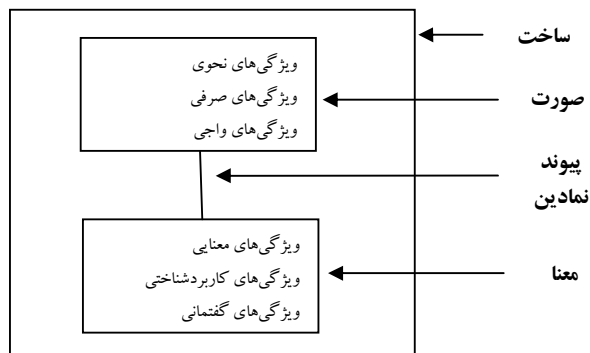
در فارسی نیز ترابی (۱۳۹۳) با اقتباس از بوی (۲۰۱۰) عملکرد وندهای اسم عامل ساز شامل «-گر»، «-بان»، و «-چی» را بررسی کرده است. وی آنچه را که ویژگی عامل می‌نامد به عنوان معنای آغازین ساخت [x-گر] در نظر می‌گیرد و آنگاه مفاهیم ویژگی عامل انسانی، ویژگی عامل غیرانسانی، اسم عامل (غیرشغل)، ابزار و اسم عامل (شغل) را منشعب از آن می‌داند. وی شکل‌گیری مفهوم ابزار را ناشی از عملکرد بسط استعاری جانبخشی عنوان می‌کند. نهایتاً وی برای اسم شغل به وجود زیرساختی مستقل قائل نمی‌شود و آن را برگرفته از زیرساخت اسم عامل می‌داند. ترابی در تحلیل عملکرد «-گر» اگر چه از میان دو رویکرد تک معنایی (monosemy) و چندمعنایی (polysemy) به کارگیری رویکرد اول را به لحاظ نظری کارساز نمی‌داند اما در عمل با در نظر گرفتن معنایی غیر از یکی از معانی موجود در واژه‌های مشتق به عنوان معنای آغازین، از همان رویکرد بهره می‌برد. از سوی دیگر تحلیل ترابی یک تحلیل همزمانی است. چنانچه در ادامه خواهیم دید بررسی درزمانی داده‌ها نکات مهم و اجتناب-ناپذیری را از عملکرد پسوند «-گر» روشن می‌نماید. از دیگر آثار انجام شده در واژه‌سازی زبان فارسی با استفاده از صرف ساختی می‌توان به عباسی (۱۳۹۶)، و قادری و رفیعی (۱۳۹۶) اشاره کرد.

در پژوهش حاضر عملکرد پسوند «-گر» در چارچوب صرف ساختی و بر اساس بررسی طیف وسیعی از داده‌های همزمانی و درزمانی مورد بررسی قرار گرفته است تا علاوه بر

توصیف نظام طرحواره‌ای این پسوند، با توصیف سازوکارهای شناختی و عوامل در زمانی دخیل، نحوه شکل‌گیری زیرطرحواره‌ها و چندمعنایی موجود توجیه شود.

۳. صرف ساختی

صرف ساختی که توسط بوی (۲۰۱۰) معرفی شده است رویکردی واژه‌بنیاد به صرف (lexeme-based) دارد. این رویکرد مفاهیم و اصول بنیادین دستور ساختی گلدبرگ (۱۹۹۵) را در توصیف و تبیین ساختارهای صرفی به کار می‌برد. صرف ساختی در پی آن است که فهم عمیق‌تری از رابطه میان نحو، صرف و واژگان و همچنین مشخصه‌های معنایی واژه‌های غیربسیط فراهم آورد (بوی، ۲۰۱۰ب). این رویکرد الگوهای واژه‌سازی را طرح‌واره‌هایی انتزاعی می‌داند که واژه‌های زبان براساس آن‌ها شکل می‌گیرند. صرف ساختی با در نظر گرفتن روابط جانشینی بین گروه واژه‌ها به وجود طرح‌واره‌هایی صرفی (morphological schema) قائل می‌شود که تولید و درک واژه‌های جدید بر اساس آنها صورت می‌گیرد. هر طرح‌واره یا ساختی (construction) نوعی جفت‌شدگی (pairing) صورت و معنی است با این توضیح که صورت شامل اطلاعات آوایی و واژ-نحوی، و معنی شامل اطلاعات معنی‌شناختی و کاربردشناختی و گفتمانی می‌باشد. یک نشانه زبانی که ساختی صرفی^۲ محسوب می‌شود را می‌توان به این شکل نشان داد:



نمودار ۱) نشانه زبانی در رویکرد صرف ساختی (کرافت، ۲۰۰۷: ۴۷۲)

در صرف ساختی واژه کوچک‌ترین واحد تحلیل و کوچک‌ترین نشانه زبانی محسوب می‌شود و تکواژهای مقید تنها بخشی از ساختار درونی طرح‌واره‌ها را شکل می‌دهند و سهم معنایی آنها صرفاً از رهگذر معنی منسوب به ساخت صرفی‌ای که جزئی از آن هستند قابل دسترسی است. نمونه‌ای از طرح‌واره‌های مورد استفاده در صرف ساختی به نقل از بوی (۲۰۱۰، ۲۰۱۵) چنین است:

$$\langle [X]_{vi} \text{ er} \rangle_{Nj} \longleftrightarrow \langle \text{Agent of SEM}_i \rangle_{Nj}$$

این طرح‌واره نشان‌دهنده ویژگی‌های عمومی و مشترک تمامی اسم‌های مختوم به «er» پایه فعلی در زبان انگلیسی است. پیکان دوسویه نشان‌دهنده همبستگی دوسویه صورت و معنای ساخت مد نظر است. گروه‌های دو طرف هر ساخت بیانگر آن است که همبستگی صورت و معنای بیان‌شده در ساخت به صورت قراردادی در واژگان ذهنی گویشوران تثبیت شده است. در این رویکرد طرح‌واره‌های زبانی ساخت‌هایی کلی و با درجه بالای انتزاع هستند که از تعمیم شباهت‌های میان تعدادی ساخت منفرد با کمترین درجه انتزاع در ذهن شکل می‌گیرند. به عبارت دیگر، هرگاه گویشوران زبانی احساس کنند در شبکه زبانی دسته‌ای از واحدهای زبانی موجود ارتباط نزدیکی با یکدیگر دارند، درباره شباهت صورت و معنای آن‌ها تعمیمی کلی، طرح‌واره‌ای و انتزاعی در ذهن خود ایجاد می‌کنند و به این ترتیب آن‌ها را زیر آن طرح‌واره به صورت زیرمجموعه‌ای واحد مقوله‌بندی می‌کنند (بوی، ۲۰۱۰ الف: ۲). بنابراین، اساس شکل‌گیری طرح‌واره‌های زبانی و تعیین ویژگی‌های صوری و معنای آن‌ها، روابط جانشینی مجموعه واژه‌های موجود است. به این علت «واژه» در چنین رویکردی کوچک‌ترین واحد تحلیل و نیز کوچک‌ترین نشانه زبانی محسوب می‌شود.

یکی دیگر از مفاهیمی که صرف ساختی به آن می‌پردازد واژگان است. صرف ساختی واژگان را به صورت شبکه‌ای نظام‌مند و سلسله‌مراتبی از طرح‌واره‌ها و زیرطرح‌واره‌ها در نظر می‌گیرد (بوی، ۲۰۱۰: ۲۵-۲۶). همچنین هر واژه مدخلی در واژگان دارد که به سه بخش اطلاعات واجی، واژ- نحوی و معنایی متصل می‌شود^۲. در این رویکرد واژه‌های مدخل شده در واژگان به صورت نظام‌مند در قالب زیرمجموعه‌هایی از طرح‌واره‌ها سازماندهی می‌شوند^۴ (بوی، ۲۰۱۰: ۳-۵).

۴. توصیف عملکرد ساخت [X-گر] در زبان فارسی

برای انجام پژوهش حاضر تمامی واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» از دو فرهنگ زانسو و فرهنگ ۸ جلدی سخن (انوری ۱۳۸۱) استخراج گردید و آنگاه موارد تکراری و مواردی که در فرهنگ بزرگ ۸ جلدی سخن برچسب قدیمی و غیرمتداول داشت کنار گذاشته شد.^۵ همچنین برای اطلاع از نحوه عملکرد این پسوند در اشتقاق موارد کاملاً جدید، نوواژه‌های تک بسامدی مشتق از این پسوند نیز از پیکره پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی استخراج گردید.^۶ با این توصیف تعداد ۱۸۲ واژه مشتق از پسوند «-گر» داده‌های پژوهش حاضر را تشکیل داده است. داده‌های استخراج شده از منابع فوق سپس در پیکره در زمانی فرهنگ‌یار^۷ جستجو شدند و شاهد‌های موجود برای واژه‌هایی که در این پیکره وجود داشتند به تفکیک اثر و زمان کاربردشان استخراج شدند. داده‌های مستخرج از دو فرهنگ زانسو و فرهنگ بزرگ سخن آندسته از واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» را پوشش دادند که در زبان فارسی واژگانی شده و جاافتاده‌اند. این واژه‌ها سپس در فرهنگ در زمانی فرهنگ‌یار جستجو شدند تا تغییرات در زمانی احتمالی در عملکرد این پسوند در واژه‌سازی زبان فارسی مورد بررسی قرار گیرد. استخراج نوواژه‌های تک بسامدی مستخرج از پیکره پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی نیز با هدف اطلاع از آخرین وضعیت عملکرد پسوند مورد بررسی در ساخت نوواژه‌ها صورت گرفته است.

در بخش بعدی ابتدا به مفهوم مشترک در بین تمامی واژه‌های مشتق از «-گر» پرداخته می‌شود، آنگاه به توصیف تنوعات معنایی نظام‌مند موجود در این واژه‌ها می‌پردازیم. بر اساس آنچه در این دو بخش ذکر می‌شود، در بخش (۴-۳) معنای آغازین نظام طرح‌واره‌ای ساخت [X-گر] به دست داده می‌شود و نهایتاً در بخش (۵) نحوه شکل‌گیری نظام طرح‌واره‌ای این ساخت توصیف می‌گردد.

۴-۱. مفهوم مشترک در واژه‌های مشتق از «-گر»

با بررسی واژه‌های استخراج شده مشخص می‌گردد مفهوم عامل تنها در واژه‌هایی که پایه‌هایشان متعلق به مقوله نحوی اسم مصدرند و لذا مفهومی فرایندی دارند مشاهده نمی‌شود، بلکه این مفهوم چه در ساخت واژه‌هایی مثل «کاشیگر»، «شیشه‌گر»، «آشگر»، «سفالگر»، «آهنگر»، «مسگر» و «کوزه‌گر»، که پایه‌هایی از جنس اسم اشیاء و مواد دارند و چه در مواردی

مانند «آسان‌گر»، «سفیدگر»، «فعالگر» و «شناساگر» که از پایه‌هایی متعلق به مقوله نحوی صفت برخوردارند، نیز دیده می‌شود. وجود پایه‌هایی از نوع اسم عینی و صفت مانع از آن است که بتوان مفهوم عامل را مفهومی برگرفته از تجمیع معانی اجزا یا به وراثت رسیده از نقش تتایی موضوعات پایه دانست.

در رویکرد صرف ساختی الگوهای اشتقاقی هر یک به صورت یک اصطلاح ساختی^۸ در نظر گرفته می‌شود که عضو ثابت آنها وند و عضو متغیرشان پایه است با این توضیح که صرف ساختی با داشتن رویکردی واژه-بنیاد به صرف قائل به وجود مدخل واژگانی و لذا معنی برای وند نیست بلکه نقش وند صرفاً در درون ساخت و به عنوان بخشی از آن قابل شناسایی است (بوی ۲۰۰۵: ۵۵). معنای مشترک محصولات هر اصطلاح ساختی نیز به عنوان معنایی برآمده از ساخت در نظر گرفته می‌شود که الزاماً از تجمیع معنای عناصر تشکیل دهنده واژه‌ها قابل برداشت نمی‌باشد.

با توجه به این مطلب می‌توان مدعی شد از آنجا که مفهوم عامل انجام دهنده عمل مرتبط با مفهوم پایه در تمامی واژه‌های مشتق از این پسوند وجود دارد و از سوی دیگر نمی‌توان آن را حاصل تجمیع معانی اجزا دانست، این مفهوم ریشه در معنای ساخت دارد و لذا فارغ از مقوله و نوع مرجع پایه‌هایی که در این ساخت قرار می‌گیرد بر تمام محصولات آن اعمال می‌شود. حال می‌بایست به مفهومی پرداخت که اساس نظام طرح‌واره‌ای پسوند «-گر» را تشکیل می‌دهد. در این راستا در بخش بعد به چند معنایی موجود در واژه‌های مشتق از این وند پرداخته می‌شود تا متعاقباً بر اساس چندمعنایی منطقی یکی از معانی به عنوان معنای آغازین ساخت انتخاب گردد.

۲-۴. تنوعات معنایی نظام‌مند در واژه‌های مشتق از «-گر»

در این بخش با بررسی داده‌های استخراج شده، تنوعات معنایی واژه‌های مشتق از «-گر» در سه دسته توصیف می‌شود تا بر اساس آن در بخش بعدی معنای آغازین ساخت مشخص گردد. طبق آنچه رفیعی (۱۳۸۶) بیان می‌کند و بر اساس بررسی داده‌های استخراج شده، تنوعات معنایی نظام‌مند واژه‌های مشتق از «-گر» در سه مقوله کلی زیر قابل دسته‌بندی است:

الف. اسم شخص عامل (شغل)

واژه‌های این گروه به عاملی انسانی دلالت دارند که دارای شغلی مرتبط با معنای پایه است، از جمله این واژه‌ها می‌توان به «تدوینگر»، «آهنگر»، «کوزه‌گر» و «سفیدگر»^۱ اشاره کرد. این گروه از واژه‌ها در مجموع دارای سه نوع پایه هستند: پایه دسته‌ای از این واژه‌ها مانند «تدوینگر» و «آرایشگر»- به یک عمل اشاره دارند و به مقوله نحوی اسم مصدر متعلق‌اند. پایه دسته‌ای دیگر از واژه‌های این زیرمجموعه اسم اشیاء و مواد است، مانند «کوزه» و «آهن» به ترتیب در «کوزه‌گر» و «آهنگر». واژه «سفیدگر» نیز تنها واژه درون این گروه است که پایه‌ای متعلق به مقوله نحوی صفت دارد.

ب. اسم شخص عامل (غیرشغل)

واژه‌های این زیرمجموعه که همگی دارای پایه‌هایی از مقوله نحوی اسم مصدر هستند برای نامیدن اشخاصی به‌کار می‌روند که فعالیت و عمل بیان شده در پایه را با انگیزه‌ای غیر از تأمین معاش انجام می‌دهند، مانند «پرستشگر»، «ایثارگر»، «تماشاگر»، «گردشگر»، «اخلالگر»، «پرخاشگر» و «اغواگر».

پ. اسم شیء عامل (ابزار)

واژه‌های این گروه دلالت بر ابزار- چه سخت‌افزار و چه نرم‌افزار- دارند. از جمله این واژه‌ها می‌توان به «چاپگر»، «نمایشگر»، «آسانگر»^۲ و «شناساگر»^۱ اشاره کرد. پایه دسته‌ای از این واژه‌ها مانند «چاپگر» و «نمایشگر» به مقوله نحوی اسم مصدر تعلق دارد و پایه دسته‌ای دیگر متعلق به مقوله نحوی صفت است، مانند «شناساگر» و «آسانگر».

در میان واژه‌های مورد بررسی مواردی نیز دیده می‌شوند که به طور بالقوه می‌توانند به بیش از یکی از گروه‌های «الف» تا «پ» تعلق داشته باشند. به عنوان مثال واژه‌های «درمانگر» و «نگارگر» هم می‌توانند به اشخاصی اشاره کنند که اعمالی را که پایه این واژه‌ها به آن ارجاع می‌دهد به هدف کسب درآمد انجام می‌دهند و هم افرادی که هدف معیشتی ندارند. همین طور واژه‌ای مانند «ویرایشگر» علاوه بر اشاره به افرادی که ویرایش محتوای وب، متون و تصاویر را انجام می‌دهند می‌تواند برای دلالت به انواع نرم‌افزارهای ویرایش تصویر، متن و فیلم نیز به کار رود.

۳-۴. معنای بنیادین در نظام طرح‌واره‌ای ساخت [X-گر]

پس از مشخص شدن تنوعات معنایی واژه‌های مشتق از «-گر»، حال لازم است به معنای بنیادینی پرداخت که تنوعات معنایی از آن نشأت گرفته‌اند. برای تحلیل الگوهای صرفی دارای تنوعات معنایی نظام‌مند می‌توان دو رویکرد عمده تک‌معنایی (monosemy) و چندمعنایی (polysemy) را مفروض داشت (بوی ۲۰۱۰: ۷۷). رویکرد تک‌معنایی در توجیه تنوعات معنایی یک الگو معنایی بسیار کلی، انتزاعی و مبهم را با در نظر گرفتن معنای مشترک در محصولات الگو و نیز معنای اجزای سازنده آن به ساخت منسوب می‌کند. به این ترتیب در این رویکرد ساخت از آغاز به صورت بالقوه از چندمعنایی برخوردار است و این امر در ادامه می‌تواند منجر به تنوعات معنایی شود. در مقابل در رویکرد چندمعنایی به جای قائل شدن به معنایی کلی و مبهم برای ساخت، با بررسی تنوعات معنایی و واژه‌های متعلق به هر زیرمجموعه، یکی از معانی به عنوان معنای آغازین و سرنمونی ساخت در نظر گرفته می‌شود. این معنای آغازین در ادامه می‌تواند مبنای عملکرد ساز و کارهای مفهومی نظیر استعاره و مجاز واقع شده و معانی و زیرساخت‌های دیگر را به دست دهد. از جمله رایج‌ترین روندهای شکل‌گیری زیرساخت‌های جدید این است که ابتدا تحت عملکرد ساز و کارهای مفهومی محصولاتی تولید می‌شوند که ساخت برای تولید آنها شکل نگرفته است و با مشخصات معنایی ساخت انطباق کامل ندارند. امکان شکل‌گیری چنین واژه‌هایی که تا حدی ناقص برخی از جنبه‌های یک ساخت هستند اصطلاحاً از طریق دریافت مجوز ناقص (partial sanction) از یک ساخت میسر می‌شود. در صورت دریافت مجوز ناقص برای تولید واژه‌های بیشتر، به تدریج امکان شکل‌گیری زیرساختی جدید از ساخت اولیه فراهم می‌شود که با اعطای مجوز کامل (total sanction) می‌تواند محصولاتی مستقل اما مرتبط با معنای ساخت آغازین به دست دهد. این روند در ادامه می‌تواند منجر به یک نظام سلسله‌مراتبی با ماهیتی چندمعنی می‌شود (تروگات و تروزدیل ۲۰۱۳: ۵۰). صرف ساختی با بهره‌گیری از منظری کاربردمحور (usage-based) رویکردی چندمعنایی در تحلیل ساخت‌های زبانی اتخاذ نموده است و لذا در نظر گرفتن یکی از معانی رایج را به عنوان معنای آغازین مقبول می‌داند.

با این توضیح مسئله تنوع معنایی مجموعه‌های مختلف محصولات الگویی واژه‌سازی «-گر» را از طریق رویکرد چندمعنایی شدگی پی می‌گیریم. برای این کار لازم است مفهوم آغازینی که

مفاهیم دیگر از آن نشأت گرفته‌اند مشخص شود. با بررسی واژه‌هایی که دربردارنده مفاهیم عامل انسانی (شغل)، و عامل انسانی (غیرشغل) و ابزار هستند مفهوم عامل انسانی (غیرشغل) بی‌نشان‌ترین و محتمل‌ترین مفهوم آغازین در نظام طرح‌واره‌ای پسوند «-گر» به نظر می‌رسد. در تایید این ادعا می‌توان سه دلیل زیر را مطرح کرد:

اول) مفهوم عامل انجام عمل بر عامل انجام عملی به عنوان شغل از نوعی اولویت معنایی برخوردار است. به عبارت ساده‌تر هر اسم شغلی نوعی اسم عامل است اما وضعیت عکس آن همواره صادق نیست. اینکه واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» به عنوان اسم شغل به کار روند یا خیر کاملاً به اطلاعات برون زبانی و مشخصاً آنچه در جامعه شغل دانسته می‌شود وابسته است. از این روست که واژه‌هایی مثل «نگارگر»، «پژوهشگر»، «امدادگر» و نظایر آن بر اساس ملاحظات اجتماعی و گاه بافتی شغل یا غیرشغل در نظر گرفته می‌شوند.^{۱۲}

دوم) مفهوم ابزار می‌تواند از رهگذر ساز و کار استعاری جان‌بخشی از مفهوم عامل انسانی برگرفته شود. این در حالی است که اگر مفهوم آغازین را اسم شغل در نظر بگیریم توجیه شکل‌گیری مفهوم ابزار از شغل اگر امکان‌پذیر نباشد دست کم بسیار دشوار خواهد بود. شاید به همین خاطر است که در واژه‌های مشتق از پسوند «-چی» - که به نظر می‌رسد دارای مفهوم بنیادین اسم شغل باشند شاهد اسم ابزار نیستیم.

سوم) در میان واژه‌های مستخرج موارد زیادی به چشم می‌خورند که حتی به صورت بالقوه نیز نمی‌توان مفهوم شغلی برایشان قائل شد. از جمله این واژه‌ها می‌توان به «استعارگر»، «اشغالگر»، «انحصارگر»، «بیدارگر»، «ستمگر»، «سوداگر» و جز آن اشاره کرد. لازم به ذکر است که از بین ۱۸۲ واژه مورد بررسی تنها حدود ۲۰ درصد به عنوان اسم شغل به کار می‌روند.

با توجه به این مطالب ساخت بنیادین نظام طرح‌واره‌ای «-گر» را شاید بتوان بدین صورت به دست داد:

$$\langle [X_i\text{-gar}]_{N_i} \leftrightarrow [X_i] \text{ معنی با مرتبط با معنی} \rangle$$

اما بررسی دقیق‌تر واژه‌های مشتق از «-گر» لزوم افزودن دو ویژگی معنایی دیگر را به ساخت بنیادین پیش می‌کشد. دقت در نمونه‌هایی مانند «رفتگر»، «شکارگر»، «عشوه‌گر» و «شناگر» نشان از آن دارد که نمی‌توان صرفاً رساندن مفهوم عامل انسانی را هدف اصلی این

وند در نظر گرفت بلکه محصولات این ساخت برای ارجاع به افرادی به کار می‌روند که در مقایسه با دیگران در انجام آن عمل خاص نوعی مداومت و استمرار دارند و به واسطه انجام آن عمل متمایز شده‌اند. با این توضیح می‌بایست معنی آغازین ساخت را عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه دانست که به صورت زیر نمایش داده می‌شود:

$$\langle [X_i\text{-gar}]_{\text{N}} \leftrightarrow [X_i \text{ معنی عمل مرتبط با معنی } X_i] \rangle$$

به سبب برخورداری از معنای متمایزکنندگی است که اعمال روزمره‌ای که همگان به صورت مداوم آن را انجام می‌دهند نمی‌تواند مبنای مقوله‌بندی با استفاده از «-گر» قرار گیرد و لذا واژه‌هایی مانند «خواب‌گر!»، «استحمام‌گر!» و جز آن شکل نمی‌گیرند. از سوی دیگر برای اشاره به شخصی که مثلاً یک عملی را- هر چند به شکلی متمایز- انجام دهد از واژه‌های مشتق از «-گر» استفاده نمی‌شود. به عنوان نمونه کسی که یک بار کوزه‌های گلی ساخته باشد را کوزه‌گر نمی‌نامند بلکه کوزه‌گر به کسی اطلاق می‌شود که عملی متمایز کننده را به صورت مداوم انجام دهد. از این روست که هر دو ویژگی متمایزکنندگی و انجام مداوم عمل در معنای این ساخت مفروض است^{۱۳}. انجام مداوم و متمایز عملی مرتبط با مفهوم پایه می‌تواند شکل‌گیری مفاهیمی چون شغل، مبالغه، و علاقمندی را در پی داشته باشد.

۵. نظام طرح‌واره‌های سلسله‌مراتبی ساخت [X-گر]

پس از مشخص شدن معنای بنیادین نظام طرح‌واره‌ای پسوند «-گر»، در این بخش به ارائه نمایی کلی از عملکرد این الگو و شکل‌گیری تنوعات معنایی در واژه‌های مشتق از آن می‌پردازیم. با پذیرش معنای «عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه» به عنوان معنای سرنمونی الگوی اشتقاقی «-گر» حال به نحوه شکل‌گیری دو مفهوم دیگر این الگو- یعنی ابزار و اسم شغل- می‌پردازیم.

۵-۱. شکل‌گیری مفهوم ابزار

با الگوگیری از تحلیل بوی (۲۰۱۰)، ترابی (۱۳۹۳) عامل موثر در شکل‌گیری زیرطرح‌واره ابزار را در واژه‌های مشتق از «-گر» بسط استعاره‌ای مفهوم عامل انسانی می‌داند. به این صورت که گویشوران زبان فارسی در ابتدا از رهگذر تفکر استعاره‌ای و اخذ مجوز ناقص از طرح‌واره عامل

انسانی توانسته‌اند مثلاً ابزاری را که برای ویرایش اطلاعات طراحی شده است، شبیه به انسانی تصور کنند که عمل ویرایش را انجام می‌دهد و لذا از اسم «ویرایشگر» که پیش از این برای نامیدن شخص به کار می‌رفته، برای ارجاع به آن ابزار نیز استفاده کنند. طبق مبانی صرف ساختی می‌توان تصور کرد چنانچه گویشوران مواردی کافی از اسم شخص را برای دلالت به ابزار به کار برند، به تدریج ممکن است طرحواره‌ای خاص ناظر بر ساخت ابزار از طرحواره اسم شخص عامل منشعب شود و بعد از آن اسامی ابزار مستقیماً از این طرحواره جدید مجوز تولید دریافت کنند. به این فرایند که طی آن طرحواره‌ای از رهگذر اعطای مجوز ناقص به تدریج به دو یا چند طرحواره مستقل اما مرتبط تقسیم می‌شود بازتحلیل (reanalysis) گفته می‌شود (رینر ۲۰۰۵).

در توجیه چگونگی شکل‌گیری چندمعنایی عامل - ابزار به واسطه فرایند استعاری جان-بخشی پیشینه درخور توجهی وجود دارد و ایده وجود رابطه‌ای ویژه میان مفهوم عامل و ابزار به قرن نوزدهم بازمی‌گردد (لوشوتسکی^{۱۴} و رینر^{۱۵} ۲۰۱۱). از اولین پژوهشگرانی که به بررسی این موضوع پرداخته و فرضیه بسط استعاری جان‌بخشی را مطرح کرده‌اند می‌توان به میربلوبکه^{۱۶} (۱۸۹۰) اشاره کرد. از جمله مهم‌ترین پژوهشگران متاخر تایید کننده این فرضیه نیز می‌بایست از لوتکه^{۱۷} (۲۰۰۵: ۲۵۲)، و بوی (۱۹۸۶ و ۲۰۰۵) نام برد. بسط استعاری مفهوم عامل به هستار بی‌جان در طول قرن بیستم میلادی امری بدیهی شمرده می‌شده است (لوشوتسکی و رینر، ۲۰۱۱). به گفته رینر (۲۰۱۱) اولین کسی که این فرضیه سنتی را زیر سؤال برد پناگل^{۱۸} (۱۹۷۵؛ ۱۹۷۸) می‌باشد. پناگل (۱۹۷۵) با بررسی داده‌هایی از زبان آلمانی به این نتیجه رسید که فرضیه بسط استعاری در این زبان با شکست مواجه می‌شود زیرا براساس فرضیه مذکور برای هر اسم ابزاری باید همتای اسم عاملی وجود داشته باشد که اسم ابزار از آن مشتق شده است در حالی که برای اکثر اسامی ابزار مختوم به -er در زبان آلمانی همتای اسم عامل وجود ندارد (رینر ۲۰۱۱). همسو با پناگل (۱۹۷۵)، برد^{۱۹} (۱۹۹۰) نیز فرضیه سنتی بسط استعاری عامل به ابزار را مورد شک و تردید قرار می‌دهد. همچنین، رینر (۲۰۰۴ الف؛ ۲۰۰۴ ب؛ ۲۰۰۵؛ ۲۰۱۱) و لوشوتسکی و رینر (۲۰۱۱) نشان می‌دهند همواره نمی‌توان به فرایند بسط معنایی از مفهوم عامل به مفهوم ابزار قائل شد و عوامل دیگری نظیر تغییر آوایی، حذف^{۲۰}، قرض‌گیری و قیاس^{۲۱} می‌تواند در شکل‌گیری این مفهوم دخیل باشند.

همراستا با یافته‌های رینر (۲۰۰۴ الف؛ ۲۰۰۴ ب؛ ۲۰۰۵؛ ۲۰۱۱)، و لوشوتسکی و رینر (۲۰۱۱) به لحاظ در زمانی وضعیت واژه‌های مشتق از «-گر» فرضیه سنتی بسط استعاری مفهوم عامل به ابزار را تأیید نمی‌کند. زیرا همان طوری که پناگل (۱۹۷۵) در زبان آلمانی نشان داده است اگر چنین فرضیه‌ای درست می‌بود منطقاً می‌بایست دست کم بخش مهمی از واژه‌های مشتق از این پسوند ابتدا در مفهوم عامل، سپس به طور همزمان در دو معنی عامل و ابزار، و در نهایت صرفاً در معنی ابزار به کار می‌رفتند. نگاهی به ابزار واژه‌های مشتق از پسوند «-گر» چنین وضعیتی را تأیید نمی‌کند. طبق داده‌های در زمانی استخراج شده از پیکره در زمانی فرهنگ‌یار زبان فارسی-غیر از واژه «چاپگر»-هیچکدام از ابزار واژه‌های مورد بررسی در معنی شخص عامل به کار نرفته‌اند. به عنوان نمونه می‌توان به واژه‌های «القاکر»، «شمارشگر»، «شناساگر»، «نوسانگر»، و «مرورگر» اشاره کرد. نکته مهم دیگر این که اساساً در برخی از موارد مثل «نوسانگر» تصور بسط استعاری اسم شخص عامل به اسم ابزار به لحاظ معنایی غیرممکن می‌نماید. درباره واژه «چاپگر» نیز داده‌ها نشان می‌دهد که این واژه در ابتدا به صورتی محدود برای اشاره به شخصی که در چاپخانه کار می‌کند به کار می‌رفته است اما بعدها برای اشاره به دستگاه چاپ به کار رفته است بدون آنکه مرحله‌ای بینابین دال بر کاربرد همزمان این واژه برای اشاره به شخص و دستگاه وجود داشته باشد.

ذکر دو نکته دیگر برای توصیف وضعیت واژه‌سازی ساخت [X-گر] در اینجا ضروری است: اول آنکه طبق بررسی داده‌های پیکره فرهنگ‌یار واژه‌های دارای مفهوم ابزار مشتق از «-گر» تنها از حدود نیمه دوم قرن حاضر هجری شمسی به این سو در زبان فارسی شکل گرفته‌اند به طوری که قبل از آن حتی شاهد یک مورد ابزار واژه مشتق از این پسوند نیستیم. با توجه به این که ربع دوم قرن حاضر را می‌توان نقطه شروع ورود خیل فن‌آوری به کشور- به ویژه از کشورهای انگلیسی زبان- دانست، به نظر می‌رسد ارتباطی بین استفاده از ساخت [X-گر] در ساخت ابزار واژه‌ها و ورود ابزار واژه‌های انگلیسی باشد.

نکته دوم آن که واژه‌های انگلیسی معادل ابزار واژه‌های مشتق از «-گر» تماماً واژه‌های مشتق از پسوند «-er» هستند. جدول زیر برخی از ابزار واژه‌ها و معادل‌های انگلیسی آنها را نشان می‌دهد:

جدول شماره ۱) ابزارواژه‌های فارسی و معادل انگلیسی آنها

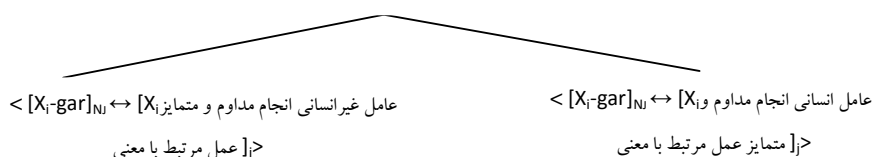
ابزارواژه فارسی	معادل انگلیسی	ابزارواژه فارسی	معادل انگلیسی
تابشگر	radiator	شمارشگر	counter
تناوبگر	alternator	شناساگر	indicator
چاپگر	Printer	القاگر	inductor
حسگر	sensor	مرورگر	browser
شتابگر	accelerator	نوسانگر	oscillator

با در نظر گرفتن نکات فوق و با توجه به این که پسوند «-گر» از بین وندهای ملقب به اسم-عامل‌ساز فارسی شامل «-گر»، «-بان»، «-چی»، «-نده»، و «-مند»، بیشترین شباهت را- چه به لحاظ نقشی و چه صوری- با پسوند «-er» دارد، این فرضیه تقویت می‌شود که شروع استفاده از ساخت [X-گر] در مفهوم ابزار-نه از رهگذر فرایند بسط استعاری جان‌بخشی- بلکه تحت تاثیر ورود وام‌واژه‌های صنعتی و علمی انگلیسی- که ناظر بر ابزارهایی هستند که تا حد زیادی خود عملی را انجام می‌دهند و عاملیت انسانی در آنها کم‌رنگ‌تر است^{۲۲}- و انجام نوعی ترجمه قرضی از آنها صورت گرفته است. اگرچه می‌توان به‌صورت بالقوه ابزار پیچیده را شبیه به شخصی عامل تصور کرد، اما بالعقل شدن چنین انشعابی در ساخت [X-گر] نیازمند عاملی برون‌زبانی یعنی ورود ابزارواژه‌های پیچیده از زبان انگلیسی بوده است.

باید توجه داشت که اگر چه بررسی در زمانی ابزارواژه‌های مشتق از «-گر» فرایند بازتحلیل مبنی بر عملکرد فرایند بسط استعاری بر روی تک‌واژه‌ها و متعاقباً شکل‌گیری یک زیرساخت جدید را تایید نمی‌کند با این حال نمی‌توان تاثیر بسط استعاری را به طور کلی نادیده گرفت بلکه می‌توان متصور شد که این فرایند نه در سطح واژگانی بلکه در سطح طرحواره‌ای رخ داده است. طی چنین فرایندی که اصطلاحاً فرایند تقریب (approximation) نامیده می‌شود یک طرحواره می‌تواند تحت‌تاثیر عوامل مختلفی از جمله بسط استعاری از سوی گویشوران به یک باره برای ساخت واژه‌هایی با معنایی نزدیک به آن ساخت به کار رود (ریزنر، ۲۰۰۵؛ آرکودیا، ۲۰۱۴).

پس از شکل‌گیری طرح‌واره عامل غیرانسانی (ابزار)، طرح‌واره انتزاعی‌تر و ناظر عامل انسانی/غیرانسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه شکل می‌گیرد. نمودار شماره (۱) نشان‌دهنده چنین وضعیتی است:

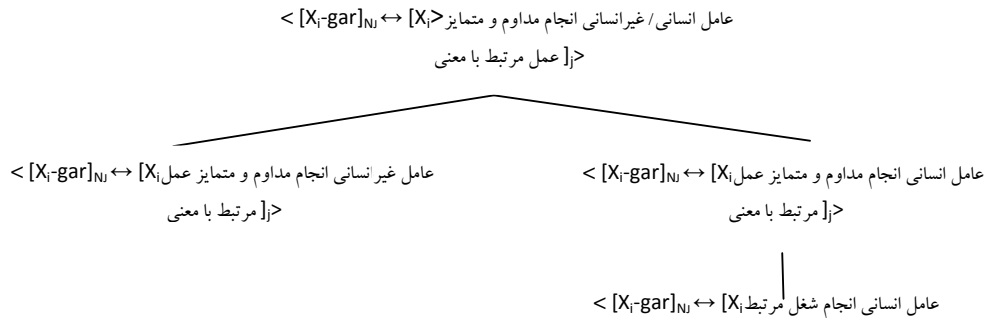
<[X_i-gar]_{NI} ↔ [X_i] > [عامل انسانی / غیرانسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی]



نمودار شماره ۱

با توجه به وجود مقوله‌های معنایی اسم شغل و اسم شخص عامل (غیرشغل) در دسته-بندی واژه‌های مشتق از «گر»، حال این مسئله مطرح است که آیا گویشوران زبان فارسی از دو طرح‌واره مستقل برخوردارند که یکی از آنها به تولید اسم شغل و دیگری به تولید اسم عامل (غیرشغل) اختصاص یافته است یا این که تنها یک طرح‌واره با معنی اسم عامل وجود دارد و واژه‌های دارای مفهوم شغلی برگرفته از آن ساخت هستند.

بدیهی است چنانچه شاهد واژه‌هایی با مفهوم صرفاً شغلی باشیم که از ابتدا برای اشاره به شغل ساخته شده باشند می‌توان نتیجه گرفت زیرساخت ویژه اسم شغل در نظام طرح‌واره‌ای «گر» شکل گرفته است. وجود واژه‌هایی چون «آرایشگر»، «آشگر»، «آهنگر»، «برزگر»، «چلنگر»، «دروگر»، «رفتگر»، «رویگر»، «زرگر»، «شیشه‌گر»، «کارگر»، «لولاگر» و جز آن تایید کننده وجود چنین طرح‌واره‌ای است. با توجه به این مطلب صورت نهایی نظام طرح‌واره‌ای ساخت [X-گر] به شکل زیر به دست داده می‌شود:



نمودار شماره ۲

در این مقاله نظام طرحواره‌های ساخت $[X\text{-گر}]$ در چارچوب صرف ساختی مورد بررسی قرار گرفت. برای این منظور پس از مقدمه، در بخش دوم و سوم به صورتی مختصر ابتدا نگاهی به پیشینه پژوهش شد و سپس صرف ساختی معرفی گردید. آنگاه در بخش چهارم به بررسی عملکرد ساخت $[X\text{-گر}]$ پرداخته شد. پس از پرداختن به مفهوم مشترک در واژه‌های مشتق از ساخت $[X\text{-گر}]$ ، ساخت آغازین طرح‌واره به دست داده شد. در ادامه نظام طرح‌واره‌های سلسله‌مراتبی این ساخت و ساز و کارهای دخیل در شکل‌گیری آن به صورت مرحله به مرحله مشخص گردید.

با بررسی واژه‌های مستخرج چنین استدلال شد که ساخت $[X\text{-گر}]$ اساساً یک ساخت سازنده «عامل انسانی انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه» است. همچنین استدلال شد که «عامل غیر انسانی (بزار) انجام مداوم و متمایز عمل مرتبط با معنی پایه» تحت‌تاثیر وام‌واژه‌های انگلیسی مشتق از پسوند «-er» و از رهگذر عملکرد فرایند تقریب شکل گرفته است. در نهایت با تایید وجود دو ساخت متفاوت برای مفاهیم شغل و غیرشغل، انگاره نهایی نظام طرح‌واره‌های سلسله‌مراتبی ساخت $[X\text{-گر}]$ به دست داده شد.

در نهایت مسئله مهمی که در توصیف عملکرد پسوند «-گر» باید بدان پرداخت کارکرد دوگانه اسمی- صفتی اغلب واژه‌های مشتق از این وند به عنوان پدیده‌ای بسیار رایج است. تعلق به دو طبقه واژگانی مشهور به اسم فاعلی و صفت فاعلی امریست که هم در مدخل چنین واژه-

هایی در فرهنگ‌های لغت مشاهده می‌شود و هم در سنت مطالعات صرف فارسی بدان اشاره شده است (طباطبائی ۱۳۸۲؛ رفیعی ۱۳۸۶). به عنوان نمونه واژه‌هایی با کارکرد دوگانه می‌توان به «بازیگر» و «چاپگر» اشاره کرد. در حالی که این دو واژه به ترتیب اسم شخص و اسم ابزار هستند، در عبارات «آقای بازیگر» و «دستگاه چاپگر» نقش صفتی دارند. این وضعیت به روشنی در واژه‌های مشتق از دیگر وندهای ملقب به اسم‌عامل‌ساز نظیر «-بان»، «-چی»، و «-نده» و نیز ترکیبات حاصل از ساخت‌های [X-ستاک حال فعل] نظیر «پلوپز»، «مین‌یاب»، «نورافکن» و جز آن نیز دیده می‌شود. با توجه به اهمیت و وسعت کار پرداختن به این مسئله نیازمند پژوهشی دیگر است.

۶. پی‌نوشت‌ها

۱. به این دسته از مطالعات می‌توان مطالبی را که در دستوره‌های سنتی ذکر شده و نیز برخی آثار توصیفی که از چهارچوب نظری خاصی تبعیت نمی‌کنند افزود. مهم‌ترین این آثار در زبان فارسی عبارتند از صادقی (۱۳۷۰-۱۳۷۲)، کشانی (۱۳۷۲) و طباطبائی (۱۳۸۴).

2. morphological construction

۳. شایان ذکر است در صرف ساختی بازنمود بُعد واجی اقلام واژگانی فقط در صورت نیاز، به‌عنوان مثال در بررسی تغییرات واجی، در بازنمودهای واژگانی لحاظ می‌شود و بازنمودهای واژگانی در این رویکرد اغلب شامل بُعد واژ - نحوی به‌عنوان صورت و بُعد معنایی هستند (بوی، ۲۰۱۰).
۴. برای مطالعه بیشتر در مورد صرف ساختی و دستور ساختی می‌توان به ترتیب به بوی (۲۰۱۰) و کرافت (۲۰۰۶) مراجعه کرد. در زبان فارسی نیز می‌توان به رفیعی (۱۳۹۱)، رفیعی و ترابی (۱۳۹۳)، و عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۵) مراجعه کرد.
۵. به عنوان نمونه‌ای از واژه‌های قدیمی می‌توان به «گروگر» به معنی «یکی از نام‌های خداوند» اشاره کرد.
۶. در اینجا بر خود لازم می‌دانیم از زحمات جناب آقای دکتر مسعود قیومی، عضو گروه زبان-شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی که داده‌های لازم را در اختیار نگارندگان قرار دادند تشکر کنیم.
۷. پیکره فرهنگ‌یار زبان فارسی تنها پیکره در زمانی موجود زبان فارسی است که از سال ۱۳۶۷ کار گردآوری آن در فرهنگستان زبان و ادب فارسی شروع شده و تا به حال نیز ادامه دارد. این پیکره

آثار فراوانی از قرن چهارم هجری تا دوره معاصر را دربرمی‌گیرد. نگارندگان مقاله حاضر مایلند مراتب تشکر و قدردانی خود را از مسئولین محترم فرهنگستان به ویژه استاد گرانقدر جناب آقای دکتر محمد دبیرمقدم و کارشناس محترم مربوطه - جناب آقای اردوان امیری‌نژاد - که مساعدت‌های لازم را می‌ذول فرمودند، ابراز دارند.

8. Constructional idiom

۹. کسی که ظرف‌های مسی را قلع‌اندود و سفید می‌کند تا از خوردگی مس و مسموم شدن محتویات ظروف مسی جلوگیری شود.

۱۰. ماده‌ای که اگر به مخلوط در حال واکنش شیمیایی افزوده شود، سرعت رسیدن مخلوط به حالت تعادل را افزایش می‌دهد.

۱۱. معرف، ماده‌ای که با کمک آن می‌توان تشخیص داد که محلولی اسیدی یا بازی است.

۱۲. در چهارچوب صرف ساختی البته می‌توان به وجود ساختی قائل شد که از ابتدا به منظور ساخت اسم شغل به کار رفته است. در چنین شرایطی مفهوم عامل انسانی عملی با هدف شغلی را می‌بایست مفهوم بنیادین این طرح‌واره در نظر گرفت. به نظر می‌رسد پسوند «-چی» در زبان فارسی - دست کم در دوره زمانی خاصی - از چنین ویژگی‌ای برخوردار بوده است. در چنین شرایطی برخلاف آنچه در مورد واژه‌های مشتق از «-گر» شاهدیم انتظار حضور گسترده واژه‌هایی با مفاهیم بینابینی شغل و غیرشغل نمی‌رود. بدیهی است که توصیف نظام طرح‌واره‌ای و مشخص کردن مفاهیم آغازین و ساز و کارهای ناظر پس از بررسی داده‌های هر وند خاص امکان‌پذیر است.

۱۳. ترابی (۱۳۹۳) در تعریف این ساخت تنها از ویژگی «تمایزکننده» استفاده می‌کند.

14. H. Ch. Luschützky

15. F. Rainer

16. W. Meyer-Lübke

17. J. Lüdtke

18. O. Panagl

19. R. Beard

20. ellipsis

21. analogy

۲۲. ابزار واژه‌های دارای چنین مفهومی به تعبیر رینر (۲۰۱۰) ابزار پیچیده (complicated tool) و به تعبیر بوی (۲۰۱۰) عامل غیرجاندار (inanimate agent) نامیده می‌شود.

۷. کتابنامه

- انوری، حسن (۱۳۸۱). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- ترابی، سارا (۱۳۹۳) بررسی عملکرد وندهای اشتقاقی اسم عامل‌ساز زبان فارسی در چارچوب صرف ساخت‌محور. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان.
- رفیعی، عادل (۱۳۸۶). نگاهی به عملکرد معنایی پسوندهای اشتقاقی زبان فارسی. پایان‌نامه دکتری، دانشگاه علامه طباطبائی.
- رفیعی، عادل (۱۳۹۱). صرف ساخت‌محور: شواهدی از فرایندهای واژه‌سازی در زبان فارسی. مجموعه مقالات هشتمین کنفرانس زبان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.
- رفیعی، عادل و سارا ترابی (۱۳۹۳). وراثت و انگیختگی رابطه صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از واژه‌سازی زبان فارسی، *بو فصلنامه علم زبان*، دانشگاه علامه طباطبائی، سال دوم، شماره سوم.
- صادقی، علی اشرف (۱۳۷۰-۱۳۷۲). شیوه‌ها و امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی معاصر. *نشر دانش*. (شماره‌های خرداد و تیر ۱۳۷۰ - مرداد و شهریور ۱۳۷۲).
- طباطبائی، علاءالدین (۱۳۸۴). طرحی کلی از امکانات واژه‌سازی در زبان فارسی. *نشر دانش*، س ۲۱، ش ۳.
- طباطبائی، علاءالدین (۱۳۸۲). *اسم و صفت مرکب در زبان فارسی*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- عباسی، زهرا (۱۳۹۶). «تحلیل واژه‌های غیربسیط فارسی در صرف واژگانی و صرف ساختی». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. د ۸، ش ۳ (پیاپی ۳۸). مرداد و شهریور. صص. ۶۷-۹۳.
- عظیم‌دخت، نلیخا و عادل رفیعی (۱۳۹۵). واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال از منظر صرف ساختی: مورد [X-یاب] مجموعه مقالات چهارمین همایش ملی صرف، تهران: نشر نویسه فارسی.

- قادری، سلیمان و عادل رفیعی (۱۳۹۶). «پدیده اجبار و رویکرد نظری دستور ساخت محور نسبت به آ». *دوماهنامه جستارهای زبانی*. د ۸ ش ۷ (پیاپی ۴۲). زمستان. صص. ۱۸۳-۲۰۸.
- کثانی، خسرو (۱۳۷۲). *فرهنگ فارسی زانسو*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- واحدی لنگرودی و قادری (۱۳۸۹) ساخت موضوعی کلمات مشتق در زبان فارسی، *زبان-شناخت*، دوره ۱، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۸۹، صفحه ۵۷-۷۴.

- Arcodia, Giorgio Francesco (2014). "Diachrony and the polysemy of derivational affixes". In F. Rainer, F. Gardani, H. C. Luschützky & W. U. Dressler (eds.), *Morphology and Meaning* (127-139). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins.
- Beard, Robert (1990). The nature and origins of derivational polysemy, *Lingua* 81, 101-140.
- Booij, G. (1986). Form and meaning in morphology: the case of Dutch "Agent" nouns. *Linguistics*. 24: 503-517.
- Booij, G. (2008), Construction morphology and the lexicon. In F. Montermini, G. Boyé, and N. Hathout (eds), *Selected Proceedings of the 5th Décembrettes: Morphology in Toulouse*. Somerville: Cascadilla Press.
- Booij, G. (2010). *Construction morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Booij, G. (2010b). "Construction Morphology". *Language and Linguistics*. 3(1), pp. 1-13.
- Booij, G. (2015). Construction Morphology. In. A. Hippisley & G. T. Stump (eds.), *The Cambridge Handbook of Morphology*, 424-448. Cambridge: Cambridge University Press.
- Booij, G. (2015). Construction Morphology. In. A. Hippisley & G. T. Stump (eds.), *The Cambridge Handbook of Morphology*, 424-448. Cambridge: Cambridge University Press.
- Booij, G., & Lieber, R. (2004). On the paradigmatic nature of affixal semantics in English and Dutch. *Linguistic*, 327-357.

- Booij. G. (2005). *The Grammar of words* (1st edition). Oxford: Oxford University Press.
- Booij.G. (2010a). *Construction Morphology*. Oxford: Oxford University Press.
- Croft, W. (2007). *Construction grammar*. In D. Geerarts & H. Cuykens (eds.), *The Oxford Handbook of cognitive linguistics*, 463- 509. Oxford: Oxford University Press.
- Fabb, N. (1984). *Syntactic affixation*. Cambridge, MA: MIT PhD dissertation.
- Goldberg, A. (1995). *Constructions: a Construction Grammar approach to argument structure*. Chicago: Chicago University Press.
- Keyser, S. J, & Roeper, T. (1984). On the middle and ergative constructions in English. *Linguistic Inquiry*, 15,381-416.
- Lieber, Rochelle (2004) *Morphology and Lexical Semantics*, Cambridge: CUP.
- Lüdtke, J. (2005). *Romanische Wortbildung. Inhaltlich – diachronisch – synchronisch*. Tübingen: Stauffenburg.
- Luschützky, H. Ch. & Rainer, F. (2011). Agent noun polysemy in cross-linguistic perspective. *Language Typology and Universals*, 64(4), 287-338.
- Luschützky,Hans C.(2011). Agent-noun polysemy in Slavic: some examples, in:Luschützky,Hans C.& Rainer,Franz (eds.), *Agent noun polysemy in Indo-European languages*. Special issue of *Sprachtypologie und Universalienforschung* 64(1),75–97.
- Meyer- Lübke, W. (1890). *Italienische Grammatik*. Leipzig.
- Panagl, O. (1978). Agens und Instrument in der Wortbildung. In W. U. Dressler & W. Meid (eds.), *Proceedings of the 12th International Congress of Linguists*. Vienna, August 28- Septembere 2, 1977, 453- 456. Innsbruck: Innsbrucker Beiträge zur Sprachwissenschaft.
- Panagl. O. (1975). Kasustheorie und Nomina Agentis. In H. Rix (ed.), *Flexion und Wortbildung. Akten der V. Fachtagung der Indogermanischen Gesellschaft*, Regensburg, 9 – 14 September 1973, 232 – 146. Wiesbaden: Reichert.
- Rainer, f. (2004a). Del nombre de agente al nombre de instrument en español: ¿Cómo y cuándo?. *Iberoromania*, 59, 97- 122.
- Rainer, F. (2004b). L'origine dei nomi di strumento italiani in –tor. In Krisch, Th; Lindner, Th & Müller, U. (eds.), *Analecta homini universali*

dicata. Festschrift für Oswald Panagl zum 65. Geburtstag. Vol.1. Stuttgart: Heinz, 399- 424.

- Rainer, F. (2011). The agent- instrument- place "polysemy" of the suffix – TOR in Romance. *Language Typology and Universals Persian Academy letter (special issue)*, 1, 5-12.
- Rainer, F. (2014). Polysemy in Derivation. In *The Oxford Handbook of Derivational Morphology*, Oxford: OUP.
- Rainer, Franz (2005), Semantic change in word formation. *Linguistics*, 43.2, pp. 415-441.
- Traugott, Elizabeth Closs and Graeme Trousdale (2013): *Constructionalization and Constructional Changes*. Oxford: Oxford University Press.

Construction of derived agent nouns of -gar: A construction morphology approach

The polysemy of the suffix -gar, its development, and some non-compositional aspects of meanings in the derived words, are investigated in the present paper. Employing a lexeme-based approach and taking some morphological schemas/constructions into account in word formation, construction morphology has provided a new framework in studying derivation. A collection of 124 words derived from -gar was extracted from two dictionaries of Sokhan and Zansoo, as well as Persian Linguistic Database (PLDB). The collected words with the meaning of tool were also searched in the diachronic corpus of Farhanyar. The collected words were assigned to different categories based on their semantic variations. By studying the data, the meaning of 'human agent of a regular and distinguished action related to the meaning of the base' was assigned to the [x-gar] construction as the prototypical meaning and starting point for the ramification. As a result, it seems that the development of instrument sub-schema is due to the influence of English loan words derived from -er. It is also revealed that the words with the meanings of job and non-job agentive nouns are derived from two independent sub-schemas.

Ker words: construction morphology, polysemy, derivation, suffix of -gar, approximation